



Linguistic Studies of Islamic Text

Vol. 2, NO. 1, 2025

Discourse analysis of Nahjul-Balagha, Sermon 138, Asre-Dhuhur, based on John Searle's speech act theory.

Dawood Omrani

Department of Arabic Language and Literature, Qom Branch, Islamic Azad
University, Qom, Iran. D.omrani@iau.ac.ir

Abstract

This text examines the role of language in human understanding and communication, and by referring to the views of various philosophers such as Kant, John Searle, and Hume, emphasizes that language is not separate from human knowledge and mind. Because much knowledge is born from language, and the expressions of awareness of this infinite truth provide the basis for the knowledge of God and existence for human happiness and perfection. Insight, awareness, logical and rational sensory experience of the functions of language are the turning point of man in the position of perfection. This kind of ability and power to perceive the phenomena of existence is the process of interpretation, all knowledge requires language to express its concepts. Without it, the mind is just like a mirror that displays images without meaning. This article also points out the power of language to influence society and describes it as a tool to justify or deceive people. Then, by examining religious, philosophical, historical, psychological, and social teachings, he shows how language has shaped and developed the cultural structure of societies. The secret of John Searle's success in discovering the various forms of discourse This is why he believes that only by perceiving speech, whose forms in the mind of every human being are the expression and description of a self-image or self-consciousness, is it capable of adapting to experiences. Parts of Nahj al-Balagha are also analyzed to explain the relationship between the speech of Imam Ali (AS) and the speech theories of John Searle. Ultimately, we have concluded that a deep understanding of language will lead to a better understanding of the individual, society, and human issues.

Keywords: Nahj al-Balagha – John Searle – Discourse analysis – Speech act – The dawn of the age.

Received ;2025/01/09 Received in revised form: 2025/2/06 ; Accepted:2025/02/08 ; Published online: 2025/04/25

© The Author(s). Article type: Research Article Publisher: Islamic Azad University of Qom



فصلنامه پژوهش‌های زبان‌شناختی متون اسلامی

سال ۲، شماره ۱، ۱۴۰۴

تحلیل گفتمان نهج البلاغه خطبه ۱۳۸ عصر ظهور بر اساس نظریه کنش گفتاری جان سرل

داوود عمرانی

گروه زبان و ادبیات عربی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران . D.omrani@iau.ac.ir

چکیده

این متن به بررسی نقش زبان در فهم و ارتباطات انسانی می‌پردازد و با اشاره به دیدگاه‌های فیلسوفان مختلف مانند کانت، جان سرل و هیوم، تأکید می‌کند که زبان جدای از دانش و ذهن انسان نیست. زیرا از زبان دانش‌های زیادی متولد می‌شود و فرازهای آگاهی از این حقیقت بی‌نهایت بستر شناخت خداو هستی را جهت سعادت و کمال انسان فراهم می‌آورد. بصیرت، آگاهی، تجربه حسی منطقی و عقلانی از عملکردهای زبان نقطه‌ی عطف انسان در مقام کمال است. این نوع توانایی و قدرت ادراک از پدیده‌های هستی تفسیر فرآیندی است که تمامی دانش‌ها برای بیان مفاهیم خود نیازمند زبان هستند. بدون آن ذهن تنها مانند آینه‌ای است که تصاویر را بدون معنا نمایش می‌دهد. این مقاله همچنین به قدرت زبان در تأثیرگذاری بر جامعه اشاره کرده و آن را ابزاری برای توجیه یا فریب مردم توصیف می‌کند. سپس با بررسی آموزه‌های دینی، فلسفی، تاریخی، روانشناختی و اجتماعی نشان می‌دهد که چگونه زبان ساختار فرهنگی جوامع را شکل داده و توسعه داده است. راز اینکه جان سرل موفق به کشف اشکال گوناگون گفتمان شده است همین است که او باور دارد که تنها با ادراک گفتار که اشکال آن در ذهن هر انسانی به مثابه بیان و توصیف یک شخصیت خودصوری یا خودآگاهی است قابلیت تطبیق با تجربه‌ها را دارد. بخش‌هایی از نهج‌البلاغه نیز مورد تحلیل قرار گرفته تا رابطه بین گفتار امام علی (ع) با نظریات گفتاری جان سرل توضیح داده شود. نهایتاً نتیجه‌گیری کرده ایم که شناخت عمیق از زبان منجر به درک بهتر فرد، جامعه و مسائل انسانی خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: نهج‌البلاغه - جان سرل - تحلیل گفتمان - کنش گفتاری - عصر ظهور.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۱/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۰؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۲/۰۵
© نویسندگان. نوع مقاله: پژوهشی. ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

مقدمه:

نظریه جان سرل با یافته‌های تجربی و خودصوری او شکل گرفته است. مبنی بر اینکه هیچ محققى تاکنون به اثبات نرسانده است که کدام دانش نیازمند ضروری بلافصل انسان است یا به عبارتی دیگر کدام یک از دانش‌های موجود قابلیت و استعداد مرجعیت و مبدأیت دارد؟ اما آنچه که یقینی است، نقش زبان و ذهن در شناخت و تعاملات انسانی است. راز اینکه جان سرل موفق به کشف اشکال گوناگون گفتمان شده این است که او باور دارد که تنها با ادراک گفتار که اشکال آن در ذهن هر انسانی به مثابه بیان و توصیف یک شخصیت خودصوری یا خودآگاهی موجود است، قابلیت تطبیق با تجربه‌ها را دارد.

در این مقاله، تحلیل داده‌بنیان به‌عنوان روش پژوهش انتخاب شده است. این روش با رویکردی کیفی، داده‌ها را از طریق فرآیند کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل می‌کند. کدگذاری باز به استخراج مفاهیم اولیه از متن کمک می‌کند، کدگذاری محوری روابط میان مفاهیم را روشن می‌سازد و کدگذاری انتخابی به یکپارچه‌سازی یافته‌ها و استخراج الگوی اصلی می‌پردازد. در این مطالعه، تحلیل گفتمان خطبه ۱۳۸ نهج‌البلاغه بر اساس این سه مرحله صورت گرفته تا نقش زبان و کنش‌های گفتاری در آن به‌درستی تبیین شود.

در میان علوم مختلف، زبان به‌عنوان یک عنصر اساسی و غیرقابل تفکیک از تمامی دانش‌ها و تحقیقات شناخته می‌شود. زبان ابزار اصلی ارتباط معنایی و مفهومی در هر علمی است و هر علم نیازمند زبان خاص خود برای انتقال مفاهیم و تعامل با دیگران است. سرل معتقد است که تنها از طریق ادراک گفتار است که می‌توان به تجربه‌های انسانی پی برد. او انواع مختلف کنش‌های گفتاری را معرفی کرده است که در تحلیل گفتمان نقش مهمی دارند. این کنش‌ها عبارتند از:

- کنش اظهاری (Assertives) : بیان واقعیت‌ها، اخبار یا توصیف‌ها. به عنوان مثال، در سخنان خطبه ۱۳۸ نهج البلاغه، گوینده ممکن است به بیان واقعیت‌های دینی و تاریخی بپردازد.
 - کنش ترغیبی (Directives) : صدور درخواست‌ها، دستورها و دعوت‌ها. این کنش‌ها در گفتمان‌هایی که به هدف هدایت و راهنمایی مخاطب هستند، مورد استفاده قرار می‌گیرند.
 - کنش تعهدی (Commissives) : تعهد گوینده به انجام کاری در آینده. این نوع کنش‌ها زمانی به کار می‌روند که گوینده به مخاطب تعهد می‌دهد یا وعده می‌دهد کاری را انجام دهد.
 - کنش عاطفی (Expressives) : بیان احساسات و عواطف در گفتار. در بسیاری از گفتمان‌ها، گوینده برای ابراز احساسات یا عواطف خود از این نوع کنش‌ها استفاده می‌کند.
 - کنش اعلامی (Declarations) : اعلام تغییر وضعیت اجتماعی یا حقوقی توسط گوینده. این نوع کنش‌ها معمولاً در موقعیت‌های رسمی و در زمانی که تغییرات اجتماعی یا حقوقی اعلام می‌شود، دیده می‌شوند.
- کانت در زمینه ذهن و زبان بیان می‌کند که برای درک حقیقتی مانند معادله $۱۲=۷+۵$ ، نیازی به تعریف معنای کلمات نیست بلکه ذهن باید این ارتباط را فهمیده و به آن معنا دهد. از دیدگاه کانت، ذهن نقش مهمی در ساختن جهان دارد و بدون زبان، ذهن نمی‌تواند تصاویر واقعی از جهان ارائه دهد.

زبان نه تنها ابزار ارتباط است بلکه قدرتی دارد که می‌تواند ذهن و جامعه را به تسخیر درآورد. از زبان در ادیان و فلسفه‌ها برای هدایت انسان‌ها استفاده می‌شود و حتی در جنگ‌ها و استبدادها، زبان نقشی تعیین‌کننده دارد. جان سرل با اشاره به وینگنشتاین، معتقد است که زبان باید واقعیت‌ها را نمایان کند و بین جمله‌ها و واقعیت ارتباط مشترکی وجود داشته باشد. در نهایت، زبان نه تنها از واقعیت‌ها تصویر می‌سازد، بلکه می‌تواند در توهمات و تخیلات نیز نقش ایفا کند. زبان در هر زمان که در ذهن مخاطب تأثیر می‌گذارد، تغییرات و تحولاتی ایجاد می‌کند و به عنوان عامل حرکت و پویایی در هستی عمل می‌کند.

بیان مسئله

تعریف ذهن و رابطه آن با زبان:

ذهن تنها زمانی سیال و پویا است که زبان آگاهی ضروری آن را شکل دهد. بدون تأثیر زبان، ذهن قادر به وحدت‌بخشی به ادراکات و تجربه‌های منفرد نخواهد بود و تنها تصویری از اشیاء را مانند آینه نمایش می‌دهد. زبان به ذهن کمک می‌کند تا روابط علت و معلول، تغییرات و تحولات اشیاء، و قوانین طبیعی مانند گرانش، جاذبه و حرکت امواج مغناطیسی را ادراک کند. این ادراکات در ذهن انسان به تفسیر و تشریح واقعیت‌های بیرونی تبدیل می‌شود و به فرآیندهای انسانی در حوزه‌های مختلف مانند رشد، توسعه، ارتباطات، تربیت و اخلاق شکل می‌دهد. به این ترتیب، زبان و ذهن در ایجاد ارزش‌های اخلاقی، حقوقی، پزشکی و سایر حوزه‌ها نقش اساسی دارند. سیالیت ذهن وابسته به زبان است و تکامل جوامع انسانی به پویایی زبان و ذهن بستگی دارد. هیوم، فیلسوف اسکاتلندی، بر این باور است که ذهن مجموعه‌ای از ادراکات حسی است و از وحدت‌بخشی به این ادراکات ناتوان است. او می‌گوید: «مسئله اصلی این است که همه تجربیات

من در هر نقطه معین از زمان به عنوان بخشی از یک میدان آگاهی وحدت یافته برای من رخ می‌دهد» (اسعدی و حقی، ۱۳۹۹). هیوم ذهن را مفسر و تعبیرگر زبان می‌داند که از مجموعه‌ای از ادراکات حسی تشکیل شده است و زبان را ابزار اصلی برای درک پدیده‌های تجربی می‌شمارد.

ضرورت ارتباط زبان و ذهن با پدیده‌ها

زبان ویژگی‌های مشترک پدیده‌ها را شناسایی کرده و موجودات را از جنبه معرفتی و صفت‌شناسی تمایز می‌دهد. این تحلیل در فلسفه زبان به جزئیات ساختاری فرهنگ‌ها و سنت‌ها می‌پردازد و نقش اصلی در شکل‌دهی به آرزوها، ایده‌ها و طرح‌های تکاملی انسان دارد. فلسفه زبان نه تنها از طریق کلام و جمله در روابط میان انسان‌ها، انسان‌ها و حیوانات، یا انسان‌ها و اشیاء، بلکه از طریق ساختارهای تکوینی (بدون کلام) پدیده‌های هستی را دربر می‌گیرد. به عنوان مثال، مانند تأثیر تابش نور خورشید بر رشد گیاهان و موجودات در طبیعت.

هیوم، جان سرل و هابز بر این باورند که هیچ چیزی فراتر از ذهن وجود ندارد و شخصیت ذهن همان ارتباط آن با پدیده‌هاست. توصیف چگونگی پدیده‌ها در زمان و مکان به زبان موجودیت آنها بستگی دارد. این امر نشان می‌دهد که رابطه زبان و ذهن با پدیده‌ها در تجربیات مختلف متفاوت است. به عنوان مثال، ممکن است تفسیر یک مسیحی از انجیل با تفسیر یک مسلمان از قرآن تفاوت‌های ظاهری داشته باشد، اما از نظر ایمان و باورهای قلبی ممکن است اشتراکاتی وجود داشته باشد. این تفاوت‌ها در برداشت زبان و ذهن ممکن است با دیدگاه‌های تجربه‌گرایانه یا ذهن‌گرایانه، مانند نظریه‌های جان سرل و هیوم، تفاوت داشته باشد.

زبان هیچ‌گاه در هیچ دوره‌ای متوقف نمی‌شود و تمامی شناخت در هر حوزه‌ای از علم به شناخت زبان آن دانش وابسته است. در اندیشه‌های طبیعت‌گرایانه، چیزی افزون بر طبیعت وجود ندارد، هرچند که زبان طبیعت‌گرایانه دین مانند نظریات هیوم و جان سرل را نمی‌توان رد کرد

(ویلیام پی آلستون، ۱۳۷۵).

تأثیر زبان بر تحولات اجتماعی و تمدن

آنقدر حیات موجودیت زبان در عرصه‌های جهان زیستی مهم و قابل دقت و توجه است که اصلاً انسانی، جهت معرفی اهمیت شناخت زبان نمی‌داند از کجا شروع کند، چه بسا این همه شگفتی‌های زبان، جان سرل را سمت تبیین و شناخت و گسترش مفاهیم فلسفی زبان سوق داده است. اما شناخت زبان یا ویژگی‌های درون زبانی و برون زبانی در شناخت جوامع، تمدن‌ها، تاریخ، ادیان الهی، انسان و... نقش مهم و بسزایی دارد.

دقت کنید وینگنشتاین می‌گفت: «هیچ چیز را مسلم نگیرید، فکر کنید.» این جمله زبان تمامی پیامبران و دانشمندان و واصفان حقوق انسان، انسان با پدیده‌ها در تمامی اعصار بود است. اگر جامعه‌ای تنها زبان تفکر و اندیشه را بفهمد چیزی را پیش از تفکر و اندیشه مسلم فرض نکند بسیاری از پیش‌فرض‌هایی که در علوم گوناگون تجربی، روانشناسی، علوم انسانی، دانش قضایی، دین‌شناسی، انسان‌شناسی باعث آسیب رساندن به جوامع زیستی می‌شوند، اتفاق نمی‌افتد. تاریخ زندگی بشریت مملو از فقدان آگاهی از زبان تجربه‌هاست. تمامی شروع جنگ‌های ویرانگر در جوامع گوناگون و کشتار جمعی و شکست حاکمیت‌ها، پیروزی قومی بر قوم دیگر و کشف داروهای درمانی، نوع شفا دادن پیامبران، در عرصه‌های گوناگون زندگی از لایه‌های اندیشه حیات زبان می‌گذرد و به انسان می‌رسد. هر محقق کافی است پیش از مطالعه آماری کمی و کیفی یک جامعه، زبان آن جامعه مورد تحقیق را مطالعه کند در این صورت به بیشتر حقایق آن جامعه دست پیدا خواهد کرد.

مثلاً اگر محقق زبان اسلام را بفهمد، به حقیقت مفاهیم ولایت خلیفه‌اللهی، صبقه الهی، منزلت نبوت، جامعه توحیدی، مقام تنزیل امامت و حرمت شیعه را به خوبی ادراک خواهد کرد.

چقدر خوب راجر تریک گفته است برای نظر دادن در رابطه با امور انسان ضروری است که در آغاز هر کاری انسان شناخته شود می‌گوید:

«هیچکس نمی‌تواند بدون داشتن درکی از اینکه انسان چگونه موجودی است درباره جوامع انسانی یا فعالیت‌های آدمی اظهار نظر کند. متاسفانه در اغلب موارد حضور این‌گونه فرض‌ها در عملکرد رشته‌های فکری مختلف تنها به صورت ضمنی و غیر آشکار است.

تنها متفکران بزرگ می‌توانند این فرض را آشکار سازند، علم تاریخ، مردم‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و علم سیاست همگی با دیدگاه‌های متفاوتی در مورد طبیعت آدمی عمل کنند.»
(TRIGG, 1999.P.G)

این نوع ادراک زبان که فصل انسان است او را ضمن اینکه از همه موجودات متمایز می‌کند فرایند ارزشمندی است برای فهم جهان‌بینی هر انسانی تا ویژگی‌های درونی، ذهنی، هنر، ادبیات، چگونگی زیستن و چگونه سعادت‌مند شدن را به خوبی بیاموزد. با دانش زبان شناخت انسان و جهان رخ می‌دهد تا ادراک زبان، ذهن و جامعه شکل پیدا کند.

(آسان‌ترین رهیافت به این مسائل عبارت است از همان اسم نفس است).

نفس (خود، anima) توماس آکویناس ۵۰۰ میلادی) - (اتین ژیلسون) که بر جوهر عقلانی دلالت دارد. اندیشه‌های نهفته در قلب را ظاهر می‌سازد و امتیاز یک جامعه بدون ارتباط بین اندیشه‌ها قابل تحصیل نیست، لازم است ذهن علائم محسوس و خارجی را کشف کند تا بتواند به وسیله آنها صور و مفاهیم نامرئی که تفکر است او را تشکیل می‌دهد به دیگران بشناساند.

این نوع فهم از ذهن و جامعه اساس تجزیه و تحلیل روش شناختی اندیشه‌های مبهم است به ویژه اندیشه‌هایی که در شناخت ادیان عقیم می‌ماند. رهیافت این اندیشه‌های ناموزون حکایت از رهبرانی می‌کند که با زبان فریبنده، ذهن هر انسانی را زیر سیطره الفاظ و کلمات و جملاتی که

هیچ مبدأ رسالت الهی و انسانی ندارد در می‌آورند. تا نهایت بهره‌کشی از مردم را جهت رسیدن به مرتع سبز که و تجمیع ثروت شخصی و غارت بیت‌المال داشته باشند. تمامی این مراتب و مراحل رنج‌آور به جهت عدم آگاهی مردم از چگونگی زبان و استفاده نامطلوب از ذهن آنها رخ می‌دهد.

این نوع ادراک زبان که تفاوت را در شناخت هر یک از واژه‌های تربیتی و ترکیبی و اثر پذیری پدیده‌های هستی می‌شناسد مبین تشکیل جامعه‌ای است مطلوب که به منظور اساسی‌ترین اصل هستی زبان را خاطر نشان می‌کند. زبان و ذهن وقتی رابطه منطقی و عقلانی بر اساس آگاهی‌های واقعی و تطابق با عینیت‌های خارجی و ویژه انطباق‌پذیری داشته باشند جهان ارزشمند معنا پیدا می‌کند. (جین فلکس ۱۹۲۴) استاد علوم سیاسی و روان‌درمانگری جهت شناخت نفس، انسان را ترغیب می‌کند که نسبت به مفهوم خویشتن (سوبژکتیویته) حساس باشند. می‌گوید: «آن‌هایی که از خویشتن بی‌بنیاد تجلیل می‌کنند یا آن را فرا می‌خوانند به نحو خودفریبانه‌ای برای یافتن خویشتن حقیقی در پشت نقاب‌های اجتماعی سرانجام به گرداب بی‌مرکزی پراکندگی و چندگانگی منتهی می‌شوند.»

این نوع شخصیت‌پردازی و ساختارسازی شخصیتی در رهبران و مسئولان اجتماعی و سیاسی که از زبان نهایت فریبندگی مردم را به کار می‌برند، جامعه‌ای ویران را می‌سازند.

زبان _____ ذهن _____ جامعه

زبان سالم _____ ذهن یگانه _____ جامعه‌ای سالم

زبان فریبنده _____ ذهن مقلد _____ جامعه ناسالم

پیشینه پژوهش

«مقایسه و تحلیل عهدنامه مالک‌اشتر و خطبه غرا بر اساس نظریه کنش گفتار» نوشته عاطفه

لیقوان و زینب عرب‌نژاد

مقالات «افعال گفتاری» نوشته جان سرل (۱۳۸۷)

«تحلیل خطبه حضرت زینب(س) در کوفه بر اساس نظریه کنش گفتاری سرل» از طاهره

ایشانی و معصومه نعمتی قزوینی(۱۳۹۵) که انواع کنش‌های گفتاری حضرت زینب(س) را در این خطبه بررسی کرده‌اند.

«تحلیل متن‌شناسی زیارت‌نامه امام رضا(ع) بر پایه کنش گفتار» از پهلوان‌نژاد و

رجب‌زاده(۱۳۹۸) در این پژوهش ایجاد ارتباط عمیق عاطفی گوینده با مخاطب یا مخاطبان زیارت‌نامه مبنای بررسی قرار گرفته است.

تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج البلاغه براساس کنش گفتاری پنج گانه سرل نشسته سیده

مریم فضائلی و محمدنگارش "تحلیل خطبه شانزده نهج البلاغه براساس نظریه کنش گفتاری سرل" نوشته حسن مقیاسی وراضیه گونه فراهانی .

ضرورت و اهمیت پژوهش

جان سرل زبان را از زبان وینگنشتاین آموخت

درست است که جان سرل شاگرد آستین فیلسوف بوده است و با مطالعه انواع نظریات استاد

در باب چگونگی دریافت حقایق از هویت زبان و ذهن به آفریدن نظریات ارزشمندی رسید که

زبان انسان را در همه اعصار با جدول‌بندی در ۵ قسمت اظهاری، ترغیبی، عاطفی، تعهدی و

اعلامی بیان نمود تا هر نوع کلام، جمله، مفهومی که جهت تشریح، تبیین مقصد و مقصودی بیان

می‌شود آثار تحقیق ارزشمندی به دست اهل مطالعه برسد تا با ادراک آثار اهل تحقیق علم بر

آگاهی‌های تجربه ذهن جامعه‌ای شکوهمند بسازند. البته آنچه که جان سرل را به مطالعه زبان و

ذهن سوق داد نوشته‌های وینگنشتاین است که خود او می‌گوید:

وقتی که آثار وینگنشتاین را خواندم مسحور او شدم یک نمونه نوعی که بسیار در درونم اثر گذاشت این جمله اوست که می‌گوید: «هنگامی که کسی از حقیقت می‌هراسد چنانکه من اکنون می‌هراسم آنچه از آن هراسان است هرگز کل حقیقت نیست.»

وینگنشتاین و جان سرل می‌خواهند بگویند که اصلاً ادراک کل حقیقت هراس ندارد زیرا حقیقت که مبدا ترس و وحشت نیست اما وقتی نیمی از حقیقت آشکار می‌شود و نیمی دیگر پنهان است وحشت رخ می‌دهد. زیرا من نمی‌دانم کسانی که با نیمه حقیقت جهان یا بخشی از زمان و مکان را در سیطره خویش دارند چه می‌خواهند با نیمه دیگر که پر از ظلمت و تاریکی است انجام دهند.

همه کسانی که در طول تاریخ دست به ویرانی و کشتارهای جمعی و فجیع زده‌اند با همین نیمه حقیقت، تاریخ را زخمی و مجروح کرده‌اند زیرا وقتی نیمه حقیقت روشن شود مردم تمامی اعمال فعال حقیقت را مشروع و موجه می‌دانند. چنین دیو وحشی که در شخصیت انسان‌های مدعی دریافت حقیقت نفس می‌کشد با ظهور ظلمت و تاریکی در شبی که نیمه ماه حقیقت طلوع کرده است بسیار ویرانگر و خطرناک است.

بیان این نوع زبان و یا شناسایی آن در مراتب ذهن انسانی هنر مضاعف و اندیشه سرشار را از روح ارزش انسانی را می‌خواهد زیرا زبان از هیچ وضعیت دانش به خصوصی جاری نمی‌شود. تنها مرجعی که حاکی این حقیقت است نماد انسان شایسته است که در عالم ارزش‌های انسانی تجلی می‌یابد. مرتبه‌اعلای انسانیت زمانی است که همه حقیقت در عرصه تمدن انسانی و یا در اذهان بشریت جاری بشود وقتی هراس و ترس در قلب انسان جاری می‌شود که نیمه پنهان حقیقت را ندیده است بنابراین او را نمی‌شناسد، عدم شناخت ویرانگر است. فرعونیان در حیطة جهل، نادانی،

غفلت مقصود خود را گسترش می‌دهند. زیرا ابزار دلالت و لوازم هدایت را که نیمه آشکار حقیقت است در دست دارند.

جان سرل اصلاً چیزی خارج از احساس و تجربه را باور ندارد اما از زبان وینگنشتاین درس‌هایی را می‌آموزد که تأویل آن را به زبان آزمون و تجربه و حس بیان می‌کند. همین بیان که از فراز تجربه و آزمون وارد ذهن شده است تنها نیمی از آن حقیقت است و زبان در عرصه انسان‌ها هیچ قرابتی در تعریف ادراک، اقرار و یقین با هیچ موجودی در نیمه تاریک ندارد در این وضعیت هرگز زبان توصیف‌پذیر نیست تا حقیقت بودن اشیا را بیان کند. از این جهت زبان تاریخ، زبان حقوق، قانون، همینطور با زبان فقه و عرفان متمایز و متفاوت است. زیرا زبان انسانیت در هیچ یک از این علوم به معنای حقیقت وجود ندارد اگرچه تاریخ به بشریت همیشه این حقیقت را آموخته است که هرگز حقیقت کل یا کل حقیقت برای همه اهل تحقیق و جامعه انسانی نمایان نمی‌شود چون زبان حقیقت کل را به جهت نیمه تاریک آن درک نمی‌کند مگر اینکه حقیقتی از کلمه زبان باشد. چنین وضعیتی را تنها زبان و ذهن با شیوه روانشناختی انسان ادراک می‌کند که مدعیان حقیقت با رخ‌نمایی نیمی از حقیقت و تاریکی را اقوام اساس جامعه برتر معرفی می‌کنند.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از روش تحلیل گفتمان کیفی با رویکرد نظریه داده بنیان (مدل اشتراوس و کوربین) بهره برده است داده های این تحقیق شامل متن خطبه ۱۳۸ نهج البلاغه است که طی مراحل زیر تحلیل شده است.

کد گذاری باز: مفاهیم کلیدی متن استخراج و طبقه بندی شدند. به عنوان مثال، مفاهیمی مانند "اصلاح انحرافات فکری" و "بازگرداندن احکام اجتماعی به اصول قرآنی" در این مرحله

شناسایی شده اند.

کدگذاری محوری: مفاهیم اولیه در قالب مقولات کلی تر سازماندهی شده اند. مقولاتی همچون "اصلاح جامعه از طریق عدالت" و "ارتباط بین زبان و هدایت معنوی" نمونه هایی از این دسته بندی هستند.

کدگذاری انتخابی: در این بخش، یافته‌ها یکپارچه شده و الگوی اصلی پژوهش با عنوان «نقش زبان در هدایت جامعه» استخراج شد.

نتایج حاصل از این تحلیل نشان می دهند که در خطبه ۱۳۸، کنش های گفتاری اظهاری بیشترین بسامد را دارند؛ زیرا، امام علی(ع) با هدف تبیین حقیقت و اصلاح نگرش های اجتماعی، از این نوع کنش زبانی بهره برده است.

پس از آن کنش های تعهدی و ترغیبی قراردارند که نشان دهنده تاکید امام در الزام پیروان خود به اصول الهی و تشویق آنان به پذیرش ارزش های دینی است.

فرآیند و ابزار تحلیل داده‌ها

واحد تحلیل: پاره‌گفتارهای موجود در خطبه ۱۳۸ نهج‌البلاغه به عنوان کوچک‌ترین اجزای معنایی تحلیل در نظر گرفته شده‌اند.

جامعه آماری: متن کامل نهج‌البلاغه، با تمرکز ویژه بر خطبه ۱۳۸ به عنوان نمونه‌ای هدفمند برای بررسی.

محدودیت پژوهش: این مطالعه صرفاً خطبه ۱۳۸ را به‌عنوان نمونه منتخب تحلیل نموده و از این رو، نتایج آن قابل تعمیم به کلیت متن نهج‌البلاغه نمی‌باشد.

معیار انتخاب نمونه: انتخاب خطبه‌هایی که موضوع آن‌ها مرتبط با عصر ظهور و اصلاح

ساختارهای اجتماعی-دینی باشد.

ابزار تحلیل: فرآیند کدگذاری سه مرحله‌ای (باز، محوری و انتخابی) مطابق با مدل اشتراوس و کوربین در تحلیل داده‌بنیان.

ملاک کدگذاری: تطبیق پاره‌گفتارها با پنج گونه کنش گفتاری (اظهاری، ترغیبی، عاطفی، تعهدی و اعلامی) بر اساس چارچوب نظری جان سرل.

شیوه تحلیل: تحلیل مضمونی (Thematic Analysis) به منظور استخراج مفاهیم کلیدی و شناسایی روابط معنایی میان انواع کنش‌های گفتاری.

بحث

زبان مولد و آفریننده فرهنگ‌ها و تمدن‌هاست

گفتمان جان سرل در تطابق شیوه‌های گفتاری آقا امیرالمومنین در نهج البلاغه با فرایند ارزش‌گذاری شخصیت‌شناسی بیانگر هویت انواع اشکال شخصیتی است. نهج البلاغه اذهان اندیشمندان رفتاری، شخصیتی، روانشناسان، الگوهای جامعه‌شناسی رفتاری و مدیران تربیتی را در میدان‌های گوناگون تربیت می‌کند.

گفتمان، تنها زبانی نیست که در مجموعه‌ای از کلمات و واژه‌ها در پیوند با جمله‌ها هدف ذهنی افراد و شاخص‌های شخصیتی را بیان می‌کند بلکه زبان نمایانگر شخصیت افراد در تجلی انعکاس شیوه‌های رفتاری، گفتاری، تقریری است که در قالب استعاره مفهومی، تصویری، تخیلی و وهمی با نوع زیبایی‌سنجی واژه‌ها و جملات تبیین می‌شود.

نهج البلاغه زبان شناختی شخصیت‌های موثر در هر جامعه‌ای زیستی را معرفی می‌کند و چگونگی بسط فرهنگ‌ها و روابط انسان‌ها و جوامع را با یکدیگر شرح می‌دهد و ساختار شکل

جوامع گوناگون را معرفی می‌نماید. پیدایش این نوع تجربه‌های زبان شناختی دلایل به وجود آمدن تمدن‌ها و فروریختن فرهنگ‌های سنتی و جایگزینی روابط مدرن را تبیین می‌نماید به قول والتر استیس^[۱] «در تاریخ انتقادی فلسفه یونان» ۱۹۱۹.

«زبان پاسخ‌های انسان‌هایی از هر نوع با هر صفت و ویژگی را که با زبان‌های دور افتاده و گوناگون سخن می‌گفتند و در شرایطی به طور کامل متفاوت از الان ما به سر می‌بردند شرح می‌دهد. چنانکه گویی چگونگی آموزش دانش‌های گوناگون را به انسان می‌فهماند تا وضعیت مسائل مابعدالطبیعه و عناصر فلسفه را در هر ذهنی ایجاد کند.»

با درک این نوع از واقعیت زبان شناختی در هر جامعه‌ای اهل مطالعه، خردمندان دانش، فلسفه از وضعیت‌های اجتماعی و شخصیتی متفکران آگاه می‌شوند. این نوع از تجربه زبان، ساختار فرهنگ را در جامعه زیستی مربوطه با همه ویژگی‌هایش حفظ می‌کند.

بقای هر جامعه‌ای به زبان آن جامعه بستگی دارد به همین جهت کلام از با ارزش‌ترین رکن بخش‌های زبان است که فرهنگ، توسعه دانش‌های ضروری، زیباشناختی هنر، روانکاوی ارزش‌های انسانی، روانشناختی انسان را رقم می‌زند و نشانه‌ها و کنش‌های گفتاری که ظهور نقش‌های قدرتمند نفسانی را در جملات، کلمات و الفاظ نشان می‌دهد بیان تمایلات، آرزوها و اراده‌های انسان است که حالت‌های عاطفه، احساس و تخیل او را در جامعه انعکاس می‌دهد. زیرا زبان بدون تجربه انسان در هیچ یک از موجودات و در هیچ فضایی رخ نمی‌دهد. با تاثیر زبان نه تنها انسان هویت می‌یابد بلکه بر وسوسه‌ها، عادت‌ها، رفتارهای ناموزون شخصیتی غلبه می‌کند و به شکل عمل و یا شخصیت ثابت در جامعه ظهور می‌آید به قول والتر استیس^[۱] (۱۹۱۹).

«پاسخ به خواسته‌ها، پاسخ همان عادت واقعی است که انجام می‌شود و می‌توان به صورت فکر یا عمل نمایانگر شود حال اینکه پاسخی رخ بدهد یا ندهد به میزان انگیزه و اصطلاحی بستگی

دارد که با رفتار همراه است.»

مولا آقا امیرالمومنین این نوع پاسخ‌های زبانی را با تشکلهای خاص اجتماعی مبتنی بر عادات و وابستگی‌های نفسانی را در بیان خطبه‌ها مردود می‌شمارد و بارها می‌فرماید: «شما را چه شده است که تا دیروز امیرتان بودم و امروز مامور به امر شما شدم هر وقت اعلام جنگ و جهاد می‌کند با بهانه‌های مختلف گرما و سرما از رفتن به جهاد سر باز می‌زنید در صورتی که به هم‌کیشان و به هم‌دینانتان معاویه و سپاهیان‌ش هجوم آورده انسان‌های بی‌گناه را کشته و آبادانی‌ها را ویران کرده است.»

شکل‌گیری این نوع از الفاظ و کلام نهج البلاغه مبتنی بر نوع شکل شخصیت‌پردازی و روش‌های شناختی شخصیت است که در جامعه آن روز آقا امیرالمومنین بر اساس عادات‌های رفتاری و پیوندهای کیش شخصیتی با هم نوع انسان با انسان در جامعه بروز کرده است این نوع از رفتارهای نامطلوب انسانی جامعه آن روز نشان می‌دهد که به جهت گسترش تمایلات، وسوسه‌ها، خواسته‌های نامطلوب زیاده‌طلبی‌ها مردمان آن روز زبان وحی تاثیر مطلوب بر روح و روان جامعه در سنجش و مقیاس اراده‌های الهی قرآن عزیز نداشته است. پی بردن دلایل عدم تاثیر زبان وحیانی بر شخصیت‌های روحی و کنش‌های عقلانی چنین جامعه‌ای متأثر از زبانی است که قدرت غلبه بر عادت‌ها، اراده‌های نامطلوب و وسوسه‌ها نداشته است. علی‌رغم اینکه زبان وحی نقش مطلوب و بی‌نهایتی بر جوامع زیستی دارد اما این نقصان از عملکرد اهتمام نورزیدن به ارزش‌های انسان و وحیانی ناشی می‌شود که زبان وحی را تنها در الفاظ و کلمات و جملات مطالعه کردند و حقیقت مفهوم زبان وحیانی و قدسی را در حیطة و حوزه عقول جامعه جاری نکردند.

این مسئولیت که بسته به اراده بین نهایی رهبران دینی و آیینی هر جامعه زیستی است تا از

انحصارگرایی فردی و تک‌اندیشی خارج نگردد و در حوزه‌های گفتمان اظهاری که تجلی روح جمعی جامعه‌ها و جمعیت زیستی است جاری نشود هرگز تاثیر بر نوع فعلیت اراده‌های فردی و جمعی افراد در جامعه نخواهد داشت. ضمن اینکه جان سرل به حق این تقسیم بندی پنجگانه را یا روانکاوای اجتماعی انجام داده است. متناسب با وضعیت روانشناختی و گسترش جمعیت روان ارزش‌های زبان ترغیبی و گفتمان عاطفی را در روابط افراد در اجتماع متناسب با ارزش اعلامی به تناسب شخصیت فردی و اجتماعی تعریف نموده است.

عملکرد این نوع از تقسیم بندی اجتماعی به زیبایی در گفتمان خطبه‌های نهج البلاغه و زبان آقا امیرالمومنین بیان و تعریف شده است به نحوی که جانسل تمامی این نوع ۵ وضعیت کلامی را تنها در هویت زبان و گفتمان فرهنگ‌های جوامع زیستی جاری نموده اما کلام آقا امیرالمومنین شخصیت‌های گفتمان پنجگانه را با مقیاس ارزش‌های روانشناختی و جوامع شناسی و روانشناسی افراد در عملکرد جریان‌ها اجتماعی تاریخی سیاسی اقتصادی در انعکاس شخصیت‌های جهان سنجیده و هویت هر یک از این پنجگانه گفتاری را در مقیاس گفتار عمل قصد نیت اراده احساس محبت بیان ماهیت هر فردی و جامعه‌ای به تصویر کشیده است.

ظهور زبان در شکل‌های گوناگون

یکی از شگفت‌ترین عملکرد زبان تجلی در اشکال گوناگون است یعنی زبان در مصادیق و کاربردهای متفاوتی ظهور می‌کند که این نوع بروز و تجلی معانی متفاوتی را تجربه می‌کند به همین جهت تولید فلسفه‌های گوناگون در حیات انسان‌ها از زایش زبان در هر جامعه زیستی

است. در مبحث قبلی بیان شد که یکی از دلایل نقصان ادراک گستری زبان یا عدم غلبه فهم زبان بر فرهنگ نامطلوب بعضی از جوامع همچون عدم غلبه مقام و منزلت و حیاتی زبان اسلام بر فساد گستری جامعه آن روز نبودن مدیریت یگانه و اثربخش است که مستند بر فهم و درک دانش مقام و حیاتی است. عدم مدیریت مسئولان و رهبران جامعه آن روز متناسب با مقیاس و ارزش‌های تجربی و عرفانی و آگاهی دال بر ظهور چنین جامعه‌ای منحط است. اما زایش معانی گوناگون و تولید ارزش‌های متفاوت و اثربخش که مبدا فضیلت بخشی جوامع زینتی‌اند یکی از روش‌ها و شیوه‌های نهج البلاغه و مدیریت کلام وحی الهی است که در هر یک از آیه‌های قرآنی به خوبی مشهود است. زایش و تولید معانی گوناگون از یک واژه یا یک عبارت و یا یک جمله از امتیازات زبان جامعه‌ای است که این نوع ویژگی در وجود او نهفته است هر چند زبان‌ها پیوند ذاتی با هم ندارند.

اما در بستر زایش فرزندان زیبایی را می‌زایند که هر یک از آن فرزندان در قالب الفاظ و جملات بیانگر حوادث و حالات روحی و روانی منزلت و مقام‌های اجتماعی‌اند که متناسب مطالعه و پژوهش روانشناختی شخصیتی انسان‌ها در جامعه زیستی تشکل پیدا می‌کند.

مولا آقا امیرالمومنین در نهج البلاغه زایش این نوع الفاظ و واژه‌ها را در قالب جملات زیبا پی ریخته است که از آن واژه‌ها معانی گسترده و ارزشمندی متولد می‌شود. یکی از سخنان آن روح مقدسی که درود خدا بر او باد بیان خطبه ۱۰۱ نهج البلاغه است که می‌فرماید

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ قَبْلَ كُلِّ أَوَّلٍ وَالْآخِرِ بَعْدَ كُلِّ آخِرٍ وَبِأَوْلِيَّتِهِ وَجَبَ أَنْ لَا أَوَّلَ لَهُ ...

در این جمله کوتاه ۴ بار کلمه‌ای اول آمده است و چهار بار هم کلمه آخر آمده است. هر یک از این دو کلمه چهار بار تکرار شده است که در هر یک از این دو کلمه مقام ازلیت، ابدیت، زمان جسمانی و مادی زمانی که مربوط به حدوث ذاتی یا قدیم زمانی است دلالت می‌کند. منظور از

این سیال توجیه و تبیین ارزش زبان و دلالت آن بر ذهن و جامعه و تولید فرهنگی است که از بطن زبان متولد می‌شوند و معانی گوناگونی را با پذیرش مسئولیت‌های گوناگون به عهده می‌گیرند.

جناب حضرت مولوی در مثنوی جهان شمولش می‌فرماید در مطالعه زبان همیشه سه حالت جریان دارد^{۱۱}:

۱. زبان‌شناسانه، یعنی به سبب درک ناقص آدمی از رابطه لفظ و معنا و مدلول حقیقی

الفاظ

۲. روان‌شناسانه، یعنی برای گریز از ادامه و نواهی و تکالیف و افتادن در ورطه شهوات

۳. خرد‌شناسانه، یعنی به دلیل آنکه قوه واهمه و عقل جزئی امری را محال و نامعقول

می‌شمرد.

مثال دیگری از قرآن آیه ۱۲ سوره‌ی مبارکه طه می‌فرماید^{۱۲}:

إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَأَخْلَعُ نَعْلَيْكَ ۖ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى

«محققاً منم پروردگار تو، پس هر دو لعینت را بر کن زیرا تو در وادی مقدس طوی هستی»

بعضی گفته‌اند که منظور از نعلین جهان هستی دنیا و آخرت است در آوردن نعلین به معنی

دست کشیدن از هر دو جهان می‌باشد.

بعضی گفته‌اند: برکندن نعلین به حق کفش است چون حضرت موسی در محیط مقدس وارد

شد منادی فرمود چون وارد محیط مقدس شده‌ای کفش یا نعلین را از پایت برکن.

این نوع تعبیر از واژه‌ها و جملات زبان مبین حقیقت گستره زبان است که ذهن و جامعه را

در تحت سیطره‌ی معرفت و ادراک دانش خود درمی‌آورد. به همین جهت مولوی در مثنوی با

عظمتش می‌فرماید: □□

اسم هر چیزی، تو از دانا شنو / سرّ رمز عَلم الاسماء شنو

اسم هر چیزی، بر ما ظاهرش / اسم هر چیزی، بر خالق سرش

نزد موسی نام چوبش بُد عصا / نزد خالق، بود نامش اژدها

بُد عمر را نام، اینجا بت پرست / لیک مؤمن بود، نامش در الست

مولوی با این ابیات جهان بینی واژه‌ها و نام‌ها را بیان می‌کند به این معنا. نام‌ها برای بیان حقایق اشیا به کار می‌رود به اندازه‌ای که شیء از آن حقیقت الهی که به وی هبه شده است و استعداد شکفتن و تکامل را دارد ضروری است بیان شود.

شناخت زبان نهج البلاغه با تطبیق آموزه‌های پنجگانه جان سرل در عبارت قبلی گفته شده است که زبان چند اصل مهم را در ذهن و جامعه زیستی ایجاد می‌کند و تأثیر آن اصول، ساختار فرهنگی و چگونگی زیستن جامعه‌ای را در بستر تمدن رقم می‌زند به نحوی که اصلاً نوع زندگی و فرهنگ و شکل حاکمیت هر جامعه‌ای متناسب با زبان و تربیت ذهنی آن جامعه مدیریت می‌شود. اگر جامعه‌ای بر مدار استبداد محوری مدیریت شود بدون شک زبان آن جامعه متناسب با الگوهای وحشت، ترس، قساوت، فشار، زور، خودستایی حاکمان، خودبینی رهبران و مسئولان بوده است به عنوان مثال حجاج بن یوسف که از طبقات بی‌ارزش و پست جامعه آن روز امویان بوده وقتی عبدالملک مروان او را در مقام و منزلت بی‌رحمی و کاروان کشتار جمعی کشف کرد مقام و پست نظامی به او داد حجاج به سرعت در قامت گردنکشان حکومتی ظهور کرد وقتی جهت سرکوبی شورش عراق به کوفه فرستاده شد با زبان خشم، وحشت و کشتار شورش فراگیر آن روز را که عده‌ای از مسئولان حکومتی توانایی مهارش را نداشتند، مهار کرد و کشتار زیادی نمود.

واژه‌ها و کلماتی را که به هنگام سخنوری بیان کرد از نوع خاص روانشناسی جامعه‌ی آن روز

بود به ویژه با پوشش مبهم و ناشناسی وارد مسجد کوفه شد درست شبیه عبدالله بن زیاد در واقعه کربلا که صورتش را با دستداری سیاه پوشاند و از منبر بالا رفت و چنین گفت: ^{□□□}

«انا ابن جلا و طلاع الثنایا منی اضع العمامه تعرفونی. (حجاج بن یوسف ثقفی

سر لشکر عبدالملک ابن مروان سالهای ۷۰ هجری به بعد)

من پسر مردی بزرگ هستم. کسی که به کارهای بزرگ دست زده است و همین که عمامه را بردارم مرا می‌شناسید تا که گفت: من سنگینی بدی را تحمل نمی‌کنم بلکه آن را پاداش می‌دهم، به خدا سوگند می‌بینم سرها مانند خوشه‌های گندم رسیده و هنگام درو آن سر آمده به چشم خود ریش‌ها و عمامه‌های خون‌آلود را مشاهده می‌کنم.

موقع سختی رسیده آگاه باشید که شبان سرسختی در پی شما می‌آید. همان ای مردم امیرمومنان عبدالملک بن مروان تیرهای خود را از ترکش بیرون کشیده و آزمود و مرا از همه سرسخت‌تر دید و برای شما فرستاد. به خدا قسم پوست آشوب‌طلبان را مانند پوست درخت می‌کنم و مانند سنگ شما را می‌کوبم و در هم می‌شکنم و خرد می‌سازم به خدا سوگند شما را مثل شتران نافرمان سلاخی می‌کنم و آنچه را می‌گویم عمل می‌کنم.»

همین که از منبر پایین آمد ترس در دل‌های مردم چنان رسوخ کرد که هیچ صدایی از هیچ شخصی شنیده نشد. تمامی حاکمیت‌ها در طول تاریخ حیات بشر با هر زبانی که با مردم سخن گفته و زندگی کرده اند مدیریت حاکمیت خود را بر همان مبنای بنا کرده اند از نوع مدیریت هر جامعه ای میتوان دریافت که آن جامعه با مردم بر اساس استبداد سلوک کرده یا بر مبنای مدنیت و ارزشهای انسانی بوده است وقتی جامعه ای مملو از فرهنگ و تمدن است که منشا ایجاد و تکوین آن جامعه زبان با تمام ویژگی‌های انسانی و مدیریت الهی بوده است. آقا امیرالمومنین با بیان عبارت و جملات گوناگون در عرصه‌ها و میدان‌های مختلف از جنس و نوع جامعه زیستی آن روز سخن

می‌گوید که در زمان زمامداری‌اش تنها ۳۵ سال از طلوع خورشید جهان گستر اسلام و پیامبر عزیز هستی افروز می‌گذشته؛ این سخنوری‌ها ثبت و ضبط شده و سپس جناب بزرگ مردادب و رادمرد با شرف و نجیب سید رضی آنها را جمع‌آوری نموده است. البته همانطور که جناب سید رضی می‌فرماید تعدادی از خطبه‌ها را به دلایلی به هنگام جمع نهج البلاغه نیاورده است. شاید یکی از دلایل از نظر سید رضی ضعف خطبه در نوع سیاق و فرهنگ بیان و قلم آقا امیرالمومنین بوده است. البته مجموعه خطبه‌های دیگری در کتاب قانون جمع‌آوری شده است که همگی مربوط به خطبه‌ها و سخنان آقا امیرالمومنین است. ^[۱۱۱] ^[۱۱۲] نون دستورمعالم الحکم و ماثورمکارم الشیم. قاضی قضاعی ۴۵۴ هجری. مترجم جناب حضرت استادافتخارعلم و ادب ودانشگاه مرحوم محبوب دکتر فیروز حریرچی).

اینک جهت آشنایی و رهیافت ادبیات بندگی و ستایش خداوند حکیم و عزیز خطبه ۱۳۸ راجع به عصر ظهور را منطبق با کاربرد گفتمان جان سرل و اکاوی می‌کنیم، امید است که با فرآیند راهبردی این خطبه مبارک و عزیز تحولی خجسته حیات طیبه در زندگی ما دمیده شود و برای همیشه از خواب غفلت و مرگ خفت بیدارمان کند.

شرح جملات نهج البلاغه منطبق با شیوه گفتمان جان سرل

شرح خطبه ۱۳۸

این خطبه حکایت از دوران ظهور امام عصر را شرح می‌دهد. شیعیان دوازده امامی (اثنی‌عشر) عقیده دارند که امام دوازدهم پس از تولد تا سن پنج سالگی نزد بعضی از اصحاب خاص آقا امام حسن عسکری ظاهر می‌شد وقتی مولا امام حسن عسکری به شهادت رسید قریب به ۷۲ سال امام عصر غیبت صغری داشت پس از رحلت حسین بن روح نوبختی اعلام فرمود از این پس

غیبت کبری واقع می‌شود تا روزی که خداوند عزیز صلاح بداند.

امر به ظهور امام عصر می‌نماید البته همه فرقه‌ها و مذاهب گوناگون اعتقاد دارند که سرانجام منجی‌ای ظهور می‌نماید و جهان را از ویرانی و آشفتگی‌های می‌بخشد اما هر یک از شیعیان زیدیه، علوی، اسماعیلیه و ... عقیده‌ای به خصوص در مصداق شخص منجی دارند اما تنها شیعیان دوازده امامی معتقدند که منجی فقط فرزند امام حسن عسکری است. آقا امیرالمومنین در این خطبه ۱۳۸ چگونگی زمان ظهور فرزندش امام عصر را شرح می‌دهد. البته چندین خطبه از نهج البلاغه شرح واقعه ظهور را توصیف کرده است اما فرصت نیست به نقش هر یک از این خطبه‌ها بپردازیم. اینک روش‌های گفتاری پنجگانه جان سرل را در این خطبه بیان می‌کنیم.

۱. *يَعْطِفُ الْهُوَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ*: آقا امیرالمومنین می‌فرمایند وقتی امام عصر ظهور می‌فرماید، افرادی که بر طبق هوای نفس خودشان تصمیم گرفته‌اند، هوای نفس آنها را به هدایت و رستگاری برمی‌گرداند این کنش اظهاری است تنها شرح و بست رفتاری را بیان می‌کند که به انحراف کشیده شده است. (خطبه ۱۳۸)

۲. *وَيَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ*: رای و فتوایی که بر خلاف قرآن در تفاسیر و نظریات فردی و اجتماعی با اسلوب فقهی و حقوقی و قضایی و اقتصادی و ... صادر شده است به نظر اندیشه قرآن برمی‌گرداند. این گفتار دلالت از کنش اظهاری می‌کند چون تنها بیان خبر در قالب گزاره‌های فعل است. (خطبه ۱۳۸)

۳. *حَتَّى تَقُومَ الْحَرْبُ بِكُمْ عَلَى سَاقٍ بَادِيًا نَوَاجِدُهَا*: جنگ همچون بشری خشمگین که دندان‌هایش آشکار شده است به شما روی می‌آورد این جمله دارای کنش اظهاری و عاطفی است. جنگ را به شیر تشبیه کرده است همچون شیری برای کشتن با

دندان‌های آشکاری که حکایت از خشم و خشونت می‌کند به شما روی آورده است. خشم بیان از حالت و صفت موجود یا حادثه‌ای می‌کند که بیان از حالات باطنی است که مربوط می‌شود به کنش‌های عاطفی بنابراین این پاره گفتار حکایت از کنش اظهاری عاطفی دارد. (خطبه ۱۳۸)

۴. مَمْلُوءَةٌ أَخْلَافُهَا حُلُوءٌ رَضَاعُهَا عَلَقْمًا عَاقِبَتُهَا: پستان‌هایش پر از شیر است که نوشیدنش شیرین است اما سرانجام تلخی دارد ضمیر «ها» به حرب اشاره دارد وقتی که کینه و نفرت خود را در جنگ بر دشمن خود با کشتنش خالی می‌کند به ظاهر مثل نوشیدن شیر شیرین است اما پایانش تلخ و ویرانگر است. این پاره گفتار هم کنش اظهاری است و هم کنش عاطفی، انجام فعل جنگ که خبر از واقعه‌ای می‌دهد که رخ داده است اظهاری است اما احساس شیرینی در آغاز جنگ و احساس تلخی و ناگواری در آخر جنگ حکایت از حالات باطنی دارد که مربوط به عاطفه می‌شود. (خطبه ۱۳۸)

۵. أَلَا وَفِي غَدٍ: الا جمله استفتاحیه است که خبر از حقیقت جریانی و رخدادی در آینده نزدیک یا دور می‌دهد یعنی آگاه باشد «انتبهوا» این پاره گفتار کنش ترغیبی است که به صورت امری و دستوری تصمیم حادثه‌ای در حال وقوع را شرح می‌دهد. خطبه (۱۳۸)

۶. يَأْخُذُ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عُمَّالَهَا عَلَى مَسَاوِي أَعْمَالِهَا: زمامدار کسی است که مثل حکومتداران دیگر نیست این رهبر مسئولان حکومتی را به خاطر کارهای بدشان کیفر خواهد داد. این پاره گفتار هم اظهاری است چون خبر از انجام فعلی خاص می‌دهد و

هم اعلامی است چون خبر از رهبری شخصی خاص می‌دهد که در مقام رهبری افراد مسئول فاسد را محاکمه و کیفر می‌دهد. (خطبه ۱۳۸)

۷. تُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضَ أَقَالِيدَ كَبِدِهَا: زمین برای آن رهبر ذخیره‌های دلش را آشکار خواهد ساخت این پاره گفتار هم اظهاری است خبر از انجام فعل می‌دهد (خطبه ۱۳۸)

۸. تُلْفِي إِلَيْهِ سَلْمًا مَقَالِيدَهَا: کنش اظهاری است. (خطبه ۱۳۸)

۹. فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السَّيْرَةِ: چگونگی عدالت گستری پیامبر عزیز اسلام را به شما نشان خواهد داد. کنش اظهاری است چون این پاره گفتار حکایت از رفتار و انجام فعل است. (خطبه ۱۳۸)

۱۰. يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ: کتاب و سنت پیامبر را که پیش از او مرده‌اند زنده خواهد ساخت این پاره گفتار هم کنش اظهاری است و هم عاطفی. اظهاری جهت انجام و وقوع فعل است، عاطفی به جهت تغییر حالت و چگونگی صفت کتاب و سنت است چون دوباره حیات و زندگی خودشان را به دست می‌آورند حکایت از حالات و چگونگی صفت کتاب و سنت دارد. (خطبه ۱۳۸)

۱۱. كَأَنِّي بِهِ قَدْ نَعَقَ بِالشَّامِ وَ فَحَصَ بِرَأْيَاتِهِ فِي ضَوَاحِي كُوفَانٍ: این پاره گفتار حکایت از کنش اظهاری دارد جمله بعدی این عبارت هم اظهاری است. (خطبه ۱۳۸)

۱۲. فَعَطَفَ عَلَيْهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ: ضمیر «ها» به کوفه برمی‌گردد این پاره گفتار اظهاری و عاطفی است او روی می‌آورد به سوی کوفه (اظهاری) مثل شتران خشمگین که از صفت و حالت درونی خبر می‌دهد (عاطفی). (خطبه ۱۳۸)

۱۳. وَ قَرَشَ الْأَرْضَ بِالرُّؤُوسِ: این پاره گفتار خبر از وقوع حادثه‌ای می‌دهد که بر اثر جنگ انسان‌هایی که روی زمین افتاده‌اند مثل این است که زمین را فرش کرده باشند بنابراین پاره گفتار اظهاری است. (خطبه ۱۳۸)

۱۴. قَدْ فَغَرَتْ فَاغْرَتَهُ وَ ثَقَلَتْ فِي الْأَرْضِ وَ طَأَّتُهُ، بَعِيدَ الْجَوْلَةِ عَظِيمِ الصَّوْلَةِ: این پاره گفتار خبر از عظمت امام عصر می‌دهد، دهانشان گشوده کنایه از همت و هیبت او با ندای توحید گام‌هایش را به زمین می‌کوبد و حرکاتش سریع و صدایش که تکبیر می‌گوید بلند و رساست این پاره گفتارها دگرگونی حالت‌های امام عصر و عظمت و هیبت او را به هنگام نبرد ترسیم می‌کند این چهار پاره گفتار همه عاطفی هستند. (خطبه ۱۳۸)

۱. با دهان گشوده ندای توحید سر می‌دهد: بیان هیبت و عظمت امام عصر است.

۲. گام‌هایش را محکم به زمین می‌کوبد: حکایت از قدرت و عظمت اراده امام است.

۳. چرخش و گردش امام به هنگام نبرد بسیار وسیع است: از شجاعت و قدرت او حکایت می‌کند.

۴. صدای عظیم و رسا: از اراده‌ای حکایت می‌کند که غلبه بر همه گویندگان منحرف و اهل باطل می‌کند.

این چهار پاره گفتار از همه حالت‌ها و صفات درونی و ویژگی‌های الهی امام سخن می‌گوید که همگی دلالت بر کنش گفتاری عاطفی است اگرچه ممکن است اظهاری هم باشند اما چون فقط بر عظمت گفتار کنش صفات امام دارند پس فقط عاطفی هستند

۱۵. وَ اللَّهُ لِيُشَرِّدَنَّكُمْ: این پاره گفتار حکایت از قسم دارد که حروف «ت-ب-و» هر سه دال بر

سوگند جلاله است بنابراین دلالت بر کنش گفتاری تعهدی را دارد. (خطبه ۱۳۸)

۱۶. لِيُشَرِّدَنَّكُمْ: شما را در روی زمین پراکنده سازد: وقوع فعل و حادثه‌ای را بیان می‌کند

دلالت بر کنش اظهاری است. (خطبه ۱۳۸)

۱۷. لَا يَبْقَىٰ مِنْكُمْ إِلَّا قَلِيلٌ: حکایت از وقوع حادثه با استثناء دلالت بر کنش اظهاری است. (

خطبه ۱۳۸)

۱۸. كَالْحُلِّ فِي الْعَيْنِ: وقوع حادثه دلالت بر کنش اظهاری است. (خطبه ۱۳۸)

۱۹. فَلَا تَزَالُونَ كَذَلِكَ...: این وضع همچنان ادامه دارد: کنش اظهاری. (خطبه ۱۳۸)

۲۰. حَتَّىٰ تَتُوبَ إِلَىٰ الْعَرَبِ عَوَازِبُ أَحْلَامِهِنَّ: برگشت عقل و فکر از دست رفته عرب بیان وقوع

حادثه‌ای است که عامل نابودی ارزش‌های الهی و اعتقادی و سنت پیامبر بوده است کنش

اظهاری است. (خطبه ۱۳۸)

۲۱. فَالْزَمُوا السُّنَنَ الْقَائِمَةَ: پس ملازم و مراقب سنت‌های استوار پیامبر و دین باشید: بیانگر

دستور و امری است که ضرورت حفظ و نگهداری ارزش‌های اسلامی را بیان می‌کند این

کنش گفتاری ترغیبی است. (خطبه ۱۳۸)

۲۲. وَ الْأَثَارَ الْبَيِّنَةَ: این جمله را همچون جمله قبلی معرفی می‌کند که دلالت بر کنش ترغیبی

است. (خطبه ۱۳۸)

۲۳. وَ الْعَهْدَ الْقَرِيبَ الَّذِي عَلَيْهِ بَاقِيَ النَّبُوءَةِ: باز هم حرف عطف به دو جمله قبل دلالت بر کنش

ترغیبی است. (خطبه ۱۳۸)

۲۴. وَ أَعْلَمُوا أَنَّ الشَّيْطَانَ إِنَّمَا يُسَنِّي لَكُمْ: این کنش ترغیبی است که بیان آگاهی از قصد و

هدف شیطان است. (خطبه ۱۳۸)

۲۵. لِتَتَّبِعُوا عَقِبَهُ: برای اینکه از او پیروی کنید «لِ» دلالت بر تاکید دارد که بیان امر، فرمان و

دستور است و جمله از طرفی وقوع خبری را می‌دهد. این جمله هم اظهاری و هم ترغیبی

است هر دو کنش اظهاری و ترغیبی در این پاره گفتار جمع شده است. (خطبه ۱۳۸)

ر دیف	پاره‌گفتار	نوع کنش گفتاری	توضیحات
۱	يَعْطِفُ الْهَوَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ	اظهار ی	بیانی و تأکیدی
۲	و يَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ	اظهار ی	بیانی و تأکیدی
۳	حَتَّى تَقُومَ الْحَرْبُ بِكُمْ عَلَى سَاقٍ بَادِيًا نَوَاجِدُهَا	اظهار ی / عاطفی	تأکیدی و احساسی
۴	مَمْلُوءَةً أَخْلَافِهَا حُلُومًا رِضَاعِهَا عَلَقَمًا عَاقِبَتُهَا	اظهار ی / عاطفی	تأکیدی و احساسی
۵	أَلَا وَفِي غَدٍ	ترغیب ی	آینده نگری
۶	يَأْخُذُ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عَمَالَهَا عَلَى مَسَاوِي أَعْمَالِهَا	اظهار ی / اعلامی	بیان قدرت
۷	تُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضَ أَفَالِيدَ كَيْدِهَا	اظهار ی	شرح واقعه در آینده
۸	تُلْقَى إِلَيْهِ سِلْمًا مَقَالِيدَهَا	عاطف ی	احساسی
۹	فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدَلُ السَّيْرَةِ	اظهار ی	تأکیدی
۱۰	يُحْيِي مِيتَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ	اظهار ی / عاطفی	تأکیدی و احساسی

تأکیدی	اظهار ی	كَأَنِّي بِهِ قَدْ نَعَقَ بِالشَّامِ وَ فَحَصَ بِرَأْيَاتِهِ فِي ضَوَاحِي كُوفَانَ	۱۱
تأکیدی و احساسی	اظهار ی / عاطفی	فَعَطَفَ عَلَيْهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ	۱۲
شرح قدرت در آینده	اظهار ی	وَ فَرَشَ الْأَرْضَ بِالرُّءُوسِ	۱۳
بیان قدرت و تأکید	عاطف ی	قَدْ فَغَرَّتْ فَاعْرَتُهُ وَ ثَقَلَتْ فِي الْأَرْضِ وَ طَاتُهُ، بَعِيدَ الْجَوْلَةِ عَظِيمِ الصَّوْلَةِ	۱۴
تأکیدی و تعهد	تعهد ی / اظهاری	وَ اللَّهُ لَيُشْرِدَنَّكُمْ	۱۵
تأکیدی	اظهار ی	لَيُشْرِدَنَّكُمْ	۱۶
شرح واقعه	اظهار ی	لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا قَلِيلٌ	۱۷
شرح واقعه	اظهار ی	كَالْكُحْلِ فِي الْعَيْنِ	۱۸
تأکیدی	اظهار ی	فَلَا تَزَالُونَ كَذَلِكَ...	۱۹
تأکیدی	اظهار ی	حَتَّى تَتُوبَ إِلَى الْعَرَبِ عَوَازِبُ أَحْلَامِهَا	۲۰
تأکیدی و احساسی	ترغیب ی	فَالزُّمُوا السُّنَنَ الْقَائِمَةَ	۲۱
تأکیدی	اظهار ی	وَ الْأَثَارَ الْبَيِّنَةَ	۲۲
تأکیدی	اظهار ی	وَ الْعَهْدَ الْقَرِيبَ الَّذِي عَلَيْهِ بَاقِي النُّبُوَّةِ	۲۳

تأکیدی و احساسی	ترغیبی ی	وَ اعْلَمُوا أَنَّ الشَّيْطَانَ إِنَّمَا يَسْنِي لَكُمْ	۲۴
تأکیدی و احساسی	اظهار ی / ترغیبی	لَتَتَّبِعُوا عَقِبَهُ	۲۵

یافته‌ها و تحلیل داده‌ها

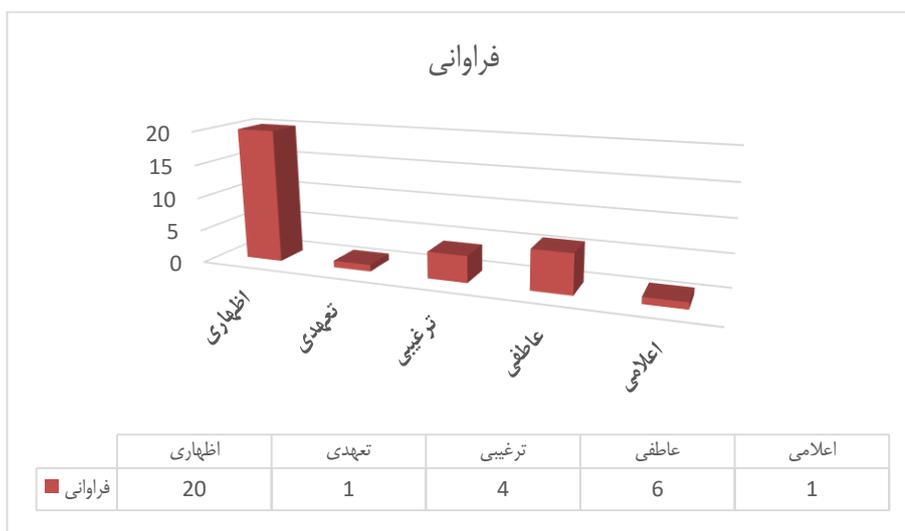
در این پژوهش، تحلیل گفتمان خطبه ۱۳۸ بر اساس نظریه کنش گفتاری سرل انجام شده است. بر این اساس، انواع کنش‌های گفتاری در متن شناسایی شده و میزان بسامد هر یک از آن‌ها مشخص شده است. نتایج نشان داد که امام علی (ع) از طریق بهره‌گیری از کنش‌های گفتاری متنوع، ساختار معنایی خطبه را شکل داده و بر مخاطبان خود تأثیر گذاشته است. جدول زیر نمای کلی از این یافته‌ها را ارائه می‌دهد:

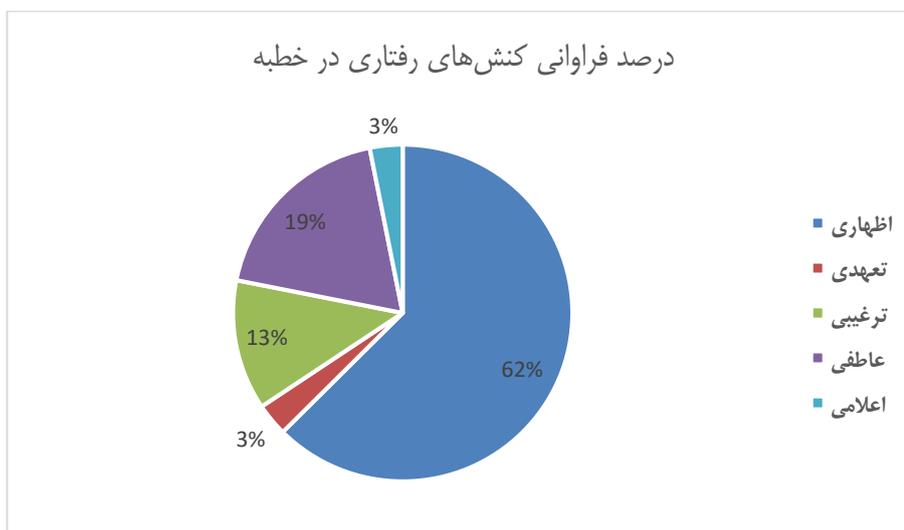
تطبیق کنش‌های گفتاری با کارکردهای اجتماعی در خطبه ۱۳۸

نوع کنش	هدف ارتباطی	کارکرد اجتماعی
اظهاری	تبیین حقایق	روشن کردن اصول هدایت و عدالت
تعهدی	الزام‌آوری	ایجاد تعهد به احکام الهی و وفاداری به عهد
ترغیبی	ترغیب و تشویق	دعوت به پیروی از راه حق و سنت پیامبر
عاطفی	برانگیختن احساسات	تثبیت ارزش‌های دینی و معنوی در ذهن مخاطب
اعلامی	اعلام موضع رسمی	تعیین مواضع و اعلام تغییرات اساسی

فراوانی انواع کنش‌های گفتاری در خطبه ۱۳۸

درصد	تعداد	نوع کنش فراوانی
۶۲	۲۰	اظهاری
۳	۱	تعهدی
۱۳	۴	ترغیبی
۱۹	۶	عاطفی
۳	۱	اعلامی
۱۰۰	۲۹	جمع کل





مقایسه تحلیل گفتمانی با سایر روش‌های تحلیل

اگر خطبه ۱۳۸ را با روش‌های دیگر همچون تحلیل بلاغی یا سبک‌شناسی بررسی کنیم، تمرکز بیشتر بر زیبایی‌های ادبی و سبک بیانی خواهد بود؛ اما تحلیل گفتمانی بر اساس نظریه سرل مستقیماً به کارکرد اجتماعی و روانشناختی زبان توجه می‌کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

زبان عضوی از حقیقت کل هستی است که ذهن انسان را با معیارانواع شیوه‌های گفتاری در مسیر تکامل ارزشهای انسانی تربیت میکند. این مقاله بیانگر واقعیت خطبه ۱۳۸ نهج البلاغه در عصر ظهور امام مهدی است. که با تطبیق آموزه‌ی گفتمان جان سرل میزان کمیت کنش گفتاری عصر ظهور را با ظرفیت جامعه می‌سنجد. نظریه کنش گفتاری یکی از رویکردهایی است که در عصره‌ی تحلیل گفتمان مطرح شده است. این نظریه در آغاز به توسط آستین استاد سرل بیان شد، سپس جان سرل با زیرکی خاصی که مبتنی بر خودصوری یا آگاهی نفس از تجربه‌های دریافتی

در قلمرو ادراک روش شناختی و معرفت تشکل می یافت کنش های گفتاری رابه پنج دسته اظهاری ، ترغیبی، عاطفی، تعهدی و اعلامی تقسیم بندی نمود. این نوع دریافت از تجربه ها مسیر زبان را در کسب شناخت اشياء حقیقت تازه ای بخشید. که وینگشتان، کانت و هیوم از پیش قسمت هایی از این شناخت را پیموده بودند. مبنی بر اینکه در بسترواقعیت ها و حوادث عملکرد ساده زبان با حقیقت های رخ داده هماهنگ نیست. زیرا کسانی که از زبان برخلاف کنش های گفتاری خود بهره میبرند در رفتار و هدف نهایی خود ارزش های نامطلوبی در جامعه ایجاد می کنند. این افراد میراث خوار ظرفیت های جامعه هستند که با زبان ساده و دلنشین مطلوب مردم، تمام هستی جامعه را غارت می کنند. ظهور امام عصر مبارزه و نبرد با این نوع از زبان و ذهنی است که نفاق و هزار چهرگی را با زبان فریبندگی در جامعه اشاعه داده اند و کنش زبان را ابزار ویرانی مردم انتخاب کرده اند. چون هنگام ظهور رفتارهای امام که ناشی از زبان الهی اوست جلوه های گوناگونی دارد، انواع و اندازه ی بسامد رفتار و الگوهای زبانی امام را متناسب با مقیاس کنش گفتاری جان سرل سنجیده و بانمودار و جدول بندی نشان داده ایم.

در این میدان بسامد کنش های زبانی و رفتاری اظهاری امام مهدی (عج ال...) از کنش های دیگر به جهت اثبات و ادراک اذهان مردم از ارزش های دینی بیشتر از کنش های دیگر است. در مرحله دوم بسامد کنش تعهدی امام بیش از کنش های دیگر است چون زمان ظهور، همه ی حقایق دین دگرگون است. امام از کنش تعهدی با تضمین رعایت عهد، پیمان و سوگند به حقایق قران عزیز و ارزش های آسمانی استفاده میکند. بسامد کنش گفتاری ترغیبی امام در مرحله سوم قرار دارد چون امام در این موقعیت مقام ولایت الهی راهم شان زمان رسول الله (درود خدا بر او) داراست. در مرحله آخر بسامدهای کنش اعلامی و عاطفی امام عصر، مساوی و برابرند. این برابری یکی از نشانه های الهی بودن امام می تواند باشد؛ زیرا کنش اعلامی در مقام و منزلت فرماندهی

همان قدر ضروری است که کنش عاطفی ظهور شخصیت‌ها و حالت‌های درونی امام ضروری است. درحقیقت وحتى درعالم واقعیت امام درمقام کنش اعلامی بایدمقام کنش عاطفی را به اندازه نیاز تربیت جامعه به سوی ارزش‌های الهی داشته باشد. امامی که به راحتی از شأن و مقام حالت‌های عاطفی عبور کند و اصلاً در کشتار مردم احساس اندوه نداشته باشد. درحقیقت هستی چنین امامی وجود ندارد؛ همانطور که آقامیرالمؤمنین پس از پایان نبردها بسیار اتفاق افتاده بود که در میان کشتگان دشمن میرفت و با صدای بلند و مملو از اندوه ورنج می‌گریست. بنابراین مقام کنش اعلامی امام که مقام و منزلت فرماندهی است به همان اندازه که جدی و با عظمت است لازم و ضروری است که از مقام و شأن کنش گفتاری عاطفی هم برخوردار باشد. کنش عاطفی صفت الهی و آسمانی است که برای هدایت جامعه ضروری و اجتناب ناپذیر است.

پیشنهادات پژوهشی آینده

- تحلیل سایر خطبه‌های نهج‌البلاغه براساس نظریه کنش گفتاری.
- مقایسه تطبیقی کنش‌های گفتاری در نهج‌البلاغه و متون دینی دیگر (مانند قرآن کریم یا صحیفه سجاده).
- بررسی تحول سبک گفتاری امام علی (ع) در دوره‌های مختلف حیات سیاسی و اجتماعی ایشان.

منابع

۱. فلاسفه بزرگ آشنایی با فلسفه غرب - برایان مگی ۱۹۸۷
۲. بررسی تحلیلی انتقادی، خودصوری در فلسفه ذهن - جان سرل - مهدی عبدالهی ۱۴۰۱
۳. مبادی فلسفه مسیحیت - اتین ژیلسون - مرکز اطلاعات و تحقیقات اسلامی
۴. در جستجوی اصالت - چرلز گیان ص ۵۸۱ - ۱۹۴۴
۵. فلاسفه بزرگ - آشنایی با فلسفه غرب - برایان مگی ۱۹۸۷
۶. تاریخ انتقادی فلسفه یونان - والتر استیس ۱۹۶۷
۷. عرفان و فلسفه والتر استیس ۱۹۶۷
۸. نهج البلاغه خطبه ۱۸۰ - محمد دشتی صفحه ۲۴۵
۹. عبدالکریم سروش - قمار عاشقانه ۱۳۸۱
۱۰. قرآن کریم - سوره طه - آیه ۱۶
۱۱. مثنوی معنوی - مولوی - دفتر اول ابیات ۱۲۴۴-۱۲۴۱

۱۲. تاریخ تمدن اسلام – جرجی زیدان ۱۳۶۹

۱۳. قانون دستور معالم الحکم قاضی - مترجم دکتر فیروز حریرچی ۱۳۶۲

Austin, J. L. (1962). *How to Do Things with Words*. Harvard University Press

Searle, J. R. (1969). *Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language*. Cambridge University Press.

Hume, David (1739). *A Treatise of Human Nature*. Oxford University Press.

Hobbes, Thomas (1651). *Leviathan*. Project Gutenberg.

Alston, William P. (1996). *Philosophy of Language and Knowledge*. Cornell University Press.

Trigg, R. (1999). *Philosophy of Social Science*. University of Michigan Press.